



در مقاله حاضر قصد براین است که به مانعها و مشکلات عمده‌ای اشاره شود که میان کشورهای جهان سوم، یا کمتر توسعه یافته، مشترک است. تفاوت کشورهای توسعه یافته، یا پیشرفته، و کشورهای توسعه نیافته به اختلاف سطح تکنولوژی و صنایع آنها محدود نمی‌شود. این تفاوت در اختلاف سطح تولید و مصرف است، و تولید نیز به حوزه فنی - صنعتی منحصر نمی‌شود. تولید بیشتر، نشانه داشتن تواناییها در عرصه‌های بیشتر است. جامعه‌ای که تولید بیشتر و گسترده‌تر دارد، و در عین حال می‌تواند تولیدات بسیار و متنوع خود را مصرف کند، از مشخصات جامعه مولد و خلاق برخوردار است. خلاصت به عاملهای بسیاری بستگی دارد که به یکدیگر پیوسته و وابسته‌اند. پیشرفت فنی از پیشرفت علمی جدا نیست. و پیشرفت علمی بدون پشتوانه اقتصادی و حمایت فرهنگی میسر نمی‌گردد. و اختلال فرهنگی بدون تولید بسیار کتاب و نشر فعال و زنده، تصوری ناپذیر است.

مردم کشورهای توسعه یافته، در سالهای اخیر در حدود ۲۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما بیش از ۷۰ درصد کتابهای جهان را تولید و منتشر کرده‌اند. کشورهای جهان سوم نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل داده‌اند، حال آنکه

وضعی به دام دور باطل گرفتار می‌شود. تیراژ کتاب، مراجعه به کتابخانه‌ها و امانت گرفتن کتاب، شاخص عمده کتابخوانی در جامعه است. در کشورهای جهان سوم کتابخانه به اندازه کافی نیست. سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد و توسعه کتابخانه‌ها محدود است و معمولاً کتابخانه‌ها نمی‌توانند حتی بخشی از جامعه را، که سواد یا علاقه خواندن دارد، جذب کنند. ناتوانی و کم‌توانی کتابخانه‌های جهان سوم در جذب خوانندگان، و ابقای نقش خلاق و واقعی خود در ایجاد و تحکیم عادات خواندن در جامعه، و نیز به وجود آوردن خوانندگان حرفه‌ای، سبب می‌شود که کتابخانه‌ها به حاشیه رانده شوند و نقش نهادین خود را از دست بدهند.

از سوی دیگر، تیراژ کتاب مسائله‌ای اجتماعی، عمومی، فرهنگی و متأثر از عوامل اقتصادی، فنی و دیگر است. شاخص تیراژ با شاخصهای دیگری همچون شاخصهای شهرنشینی، زندگی صنعتی، میزان سواد و تحصیلات، مصرف اوقات فراغت، سطح و

بحران نشر کتاب در جهان سوم

عبدالحسین آذرنگ

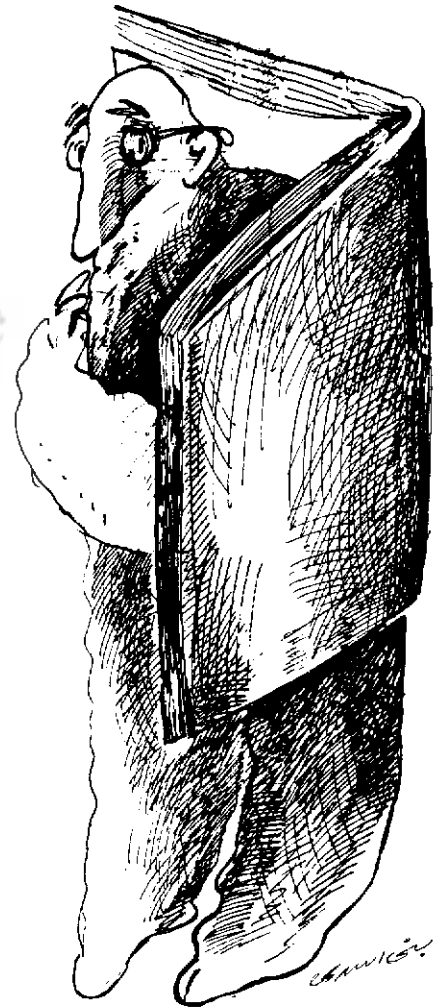
توسعه آموزش، ارتباط مستقیم دارد. شاخص تیراژ متنوع و جدا از سایر شاخصها نیست. چون همه شاخصهایی که گفتیم در کشورهای جهان سوم نازل است، طبیعتاً نمی‌توان توقع داشت که شاخص تیراژ، که نشانه‌گوی میزان کتابخوانی است، نازل نباشد.

پایین بودن سطح کتابخوانی، پایین بودن تقاضا برای کتاب است، و پایین بودن تقاضا عامل بازدارنده افزایش عرضه و تولید کتاب است، و این وضع در میان همه کشورهای جهان سوم برقرار است. علت‌های عمده پایین بودن سطح کتابخوانی، اینهاست:

- کتاب، جایگاه و نقشی جدی در زندگی بیشتر مردم ندارد، بنابراین کالایی ضروری تلقی نمی‌شود که خانوارها خود را مکلف بدانند که بخشی از درآمدها را به تأمین آن اختصاص بدهند؛
- سطح دانش، تخصص و سواد عمومی

کمتر از ۳۰ درصد کتابهای جهان را تولید و منتشر کرده‌اند. اروپا فقط ۱۵ درصد جمعیت جهان را در خود جا داده است، اما در ۱۹۹۰ بیشتر از نصف کتابهای جهان را تولید کرده است.

معنای این تفاوتها به اندازه کافی گویاست. رشد و توسعه، پدیده‌ای است همه جانبه. رشد علمی و فرهنگی بدون رشد فکری و معنوی تحقق نیافته است، و از شاخصهای اصلی و عمده رشد فکری و معنوی، انتشار کتاب است. در کشورهای جهان سوم، رشد فرهنگی به حدی نیست که بتواند پشتوانه قابل اتکایی برای فعالیتهای علمی، فنی، صنعتی و دیگر باشد. کتاب که ستون اصلی این پشتوانه است، به اندازه لازم تولید و منتشر، و به اندازه کافی خوانده نمی‌شود. بنابراین عرضه و تقاضای کتاب به جای آنکه محرک فعالیت هم باشند، مسبب رکود و نزول یکدیگرند. کتاب در چنین



بیتا آذرنگ



پایین است:

– خواندن به قصد کنجکاوی و دانستن، و به انگیزه روحیه علمی و حقیقت پژوهی، بسیار نادر است؛

– در گذران اوقات فراغت مردم، به ویژه شهرنشینان، رسانه‌های دیگری که گرفتن پیام آنها سهلتر است، مجال چندانی برای کتاب نمی‌گذارند که با آنها رقابت کند؛

– نظام آموزشی این کشورها بر مبنای روحیه تحقیق و جست‌وجو نیست و کتاب و کتابخوانی به ابزارهای ضروری تحصیل و تحقیق تبدیل نمی‌شود؛

– به‌طور کلی فشار زندگی، فقر عمومی، مشکلات زندگی روستائینی، دور بودن از فعالیتها و اخبار فرهنگی، و بسیاری موانع دیگر دست به‌دست هم می‌دهد و سطح کتابخوانی را در کشورهای جهان سوم پایین می‌کشد.

پدید آوردن کتاب در کشورهای جهان سوم با مشکلات بسیار روبه‌روست و برای پدیدآورندگان کتاب انگیزه‌ها، موجبات و شرایط کافی موجود نیست، از جمله:

– وضعیت اقتصادی کشورهای جهان سوم اجازه نمی‌دهد که پدیدآورندگان بتوانند از راه کتاب زندگی کنند، و از این رو پدید آورنده حرفه‌ای، که رکن اصلی تولید کتاب است، به‌وجود نمی‌آید و اگر احیاناً به‌وجود آید رشد نمی‌کند. پدیدآورندگان در کشورهای جهان سوم معمولاً در حاشیه شغل اصلی‌شان به نوشتن، تحقیق، ترجمه، و... می‌پردازند؛

– پدیدآورندگان، امکانات لازم و کافی در اختیار ندارند. کتابخانه‌های مجهز در دسترسشان نیست، کتابها و نشریات مورد نیازشان به‌سادگی تأمین نمی‌شود، و به‌طور کلی مواد و مصالح کار در اختیار نیست؛

– پدید آورندگان از مخاطبان‌شان شناخت کافی ندارند و واکنش لازم و واقعی را نسبت به آثاری که تولید می‌کنند دریافت و حس نمی‌کنند؛

ضعف تبلیغات، نبودن یا کم‌بودن نشریه‌های نقد و بررسی، عدم مشارکت کافی رسانه‌های ارتباطی در کار کتاب، رویاروی نشدن پدیدآورندگان و خوانندگان و ضعف ارتباطات، و مانع‌های دیگر، انگیزه‌های پدیدآورندگان را برای تولید بیشتر و بهتر کاهش می‌دهد؛

– وجود سانسور در بیشتر کشورهای جهان سوم، تأثیرهای منفی و بازدارنده

گروه‌های فشار، نقض آزادیها و به‌ویژه آزادی بیان، عقیده و اندیشه، تبدیل فشارهای مستقیم و غیرمستقیم بیرونی به خودسانسوری، به‌طورکلی به پدید آوردن، که سرشت آن با آزادی عجین است، لطمه جدی وارد می‌آورد؛

– نبودن نظام‌های نهادی شده و جدی تشویقی، ترغیبی، حمایتی از پدیدآورندگان، سبب می‌شود که پدیدآورندگان، امنیت شغلی احساس نکنند، انگیزه‌های کافی و تازه نیابند، جامعه به اهمیت کار و نقش آنها واقف نشود، و دیگران، و به‌ویژه جوانان، برای روی آوردن به پدید آوردن، علاقه‌ای در خود حس نکنند.

مجموع این مشکلات و مانع‌ها سبب می‌شود که سطح و کیفیت پدید آمدن کتاب در کشورهای جهان سوم بالا نباشد.

گذشته از کتابخوانی و پدید آوردن کتاب، تولید کتاب در کشورهای جهان سوم با مشکل روبه‌روست. از جمله مهمترین موانع و مشکلات کتاب در عرصه تولید، می‌توان از اینها یاد کرد:

– متخصصان و کارشناسان تولید فنی و هنری کتاب اندک‌شمارند؛

– برای آموزش و تربیت متخصصان فنی، دوره‌های آموزشی در سطح دانشگاهی و آموزش عالی یا فنی - حرفه‌ای به اندازه کافی و با کیفیت لازم وجود ندارد؛

– دستمزدهایی که به متخصصان فنی کتاب می‌پردازند در حدی نیست که آنها را به فعالیت در عرصه تولید کتاب جلب کند؛

– سطح ذوق و سلیقه در بازار کتاب در

مرتبه‌ای نیست که متخصصان فنی را به تلاش در راه اعتلای تخصص و جنبه‌های حرفه‌ای وادارد؛

— کمبود وسایل، تجهیزات، مواد و مصالح چاپ و نشر، فرسودگی و ناکارآمدی ماشین آلات چاپ نیز از مانع‌های سرراه تولید فنی و هنری کتاب است.

مجموع عامل‌های فنی در عرصه تولید کتاب در کشورهای جهان سوم سبب می‌شود که دور باطل نشر تشدید شود.

مشکل دیگری که نشر کتاب در جهان سوم با آن روبه‌روست، در عرصه انتشار، توزیع، تبلیغ و فروش کتاب است. از جمله مهم‌ترین اینها می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

— ناشران کشورهای جهان سوم تخصصها و مهارت‌های لازم برای نشر را در اختیار ندارند؛
— در این کشورها، نشر از چاپ و توزیع و کتابفروشی تفکیک نشده است و بیشتر ناشران، و در بعضی از کشورهای جهان سوم رقم عمده‌ای از ناشران، ناشر به معنای تخصصی کلمه نیستند؛

— میزان و حجم سرمایه در کار نشر محدود است. بانکها و مؤسسات مالی برای سرمایه‌گذاری در امر کتاب امکانات و تسهیلات متناسب عرضه نمی‌کنند. سازمان‌های بیمه برای تأمین بیمه و ایجاد پشتوانه‌های اطمینان‌بخش، اقدام جدی و مؤثر به عمل نمی‌آورند؛

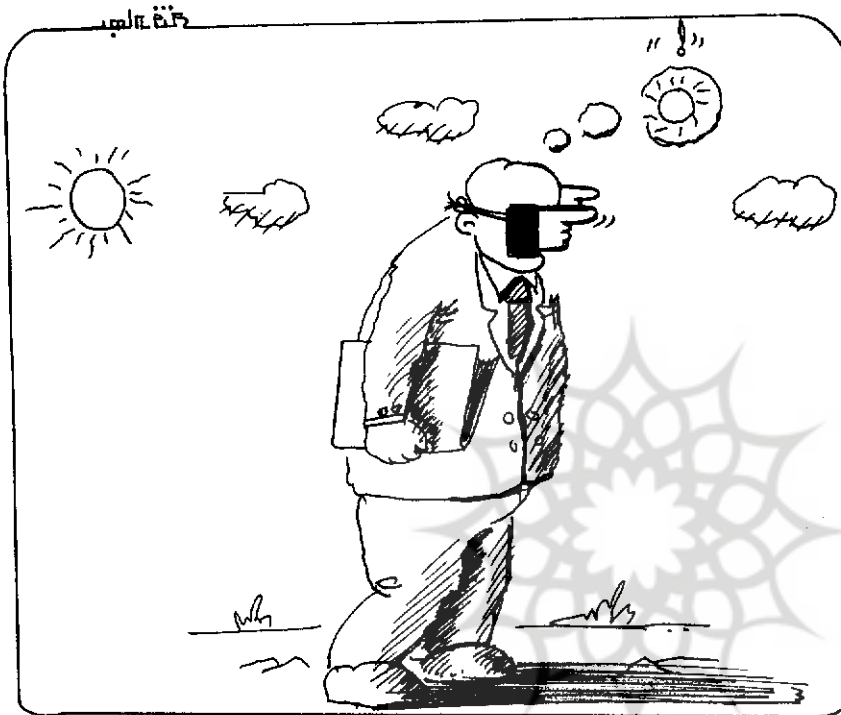
— نشر در جهان سوم گاه اقدامی مخاطره‌جویانه است. از یکسو موانع و مشکلات اقتصادی، از سوی دیگر مانع‌های سیاسی و عوامل بازدارنده و ناپایداری حکومتها و بی‌ثباتی سازمانها و مدیریتها، و حمایت نشدن از طرف سازمان‌های حقوقی و قضایی، سبب می‌شود که ناشران نتوانند با جسارت و جرأت دست به سرمایه‌گذاری در زمینه کتاب بزنند، و خطر ورشکستگی، بدهکاری، تعقیب و نظایر اینها تهدیدشان نکند؛

— تبلیغ کتاب بسیار ضعیف است و ناشران نمی‌توانند جامعه موردنظر خود را از کتابهای تازه انتشار و ارزش آنها به خوبی آگاه کنند؛

— در کشورهای جهان سوم نهادهایی مانند انجمنها و باشگاههای کتاب، که در کشورهای پیشرفته نقش بسیار با اهمیتی در معرفی، ترغیب، ترویج، و فروش کتاب دارند، یا وجود

■ وضعیت اقتصادی کشورهای جهان سوم اجازه نمی‌دهد که پدیدآورندگان بتوانند از راه کتاب زندگی کنند، و از این رو پدید آورنده حرفه‌ای - که رکن اصلی تولید کتاب است - به وجود نمی‌آید.

■ نشر در جهان سوم گاه اقدامی مخاطره‌جویانه است چرا که ناشر از یکسو با مشکلات اقتصادی و از سوی دیگر با مانع‌های سیاسی و حمایت نشدن از طرف سازمان‌های حقوقی و قضایی روبه‌روست.



سوی موانع و مشکلاتی که در مراحل اصلی: کتابخوانی، پدیدآوردن، تولید، و نشر و توزیع و فروش، برشمردیم، می‌توان از موارد دیگری یاد کرد که یا به‌طور عام یا به‌طور خاص بر سرراه نشر در جهان سوم قرار می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین آنها:

به‌طور کلی در کشورهای جهان سوم، نشر کتاب سیاست جامع، مدون، بررسی شده و سنجیده شده حاکم نیست. سیاست‌های مناسب، وضعیت موجود را به‌سوی وضعیت مطلوب هدایت می‌کند و تلاشها در محدوده این حرکت سمت و سو می‌یابد. در کشورهای جهان سوم نمی‌توان به الگوهای مشترکی برای

■ تبلیغ کتاب بسیار ضعیف است و ناشران نمی‌توانند جامعه موردنظر خود را از کتابهای تازه انتشار یافته و ارزش آنها به خوبی آگاه کنند.

ندارد یا اگر وجود دارد، فعال نیستند؛

— شبکه توزیع کتاب در این کشورها دایر یا کارآمد نیست، کتاب در سراسر کشور درست پخش نمی‌شود و درست به دست همه نمی‌رسد، و از این رو فروش کتاب را به شدت پایین می‌آورد؛

— در کشورهای جهان سوم کتابفروشیهای بزرگ، متمرکز و تخصصی به ندرت وجود دارد. توزیع کتابفروشیها معمولاً متناسب با توزیع جمعیت و توزیع کانون‌های فعالیت علمی و فرهنگی نیست؛

— برای رسانیدن کتاب به نقاط دور دست، روستاها، و مراکز جمعیتی دورافتاده تسهیلات و امکانات موجود نیست.

مجموع اینها سبب می‌شود که انتشار، تبلیغ، ترویج، و فروش کتاب در جهان سوم با دسته دیگری از موانع و مشکلات روبه‌رو شود.

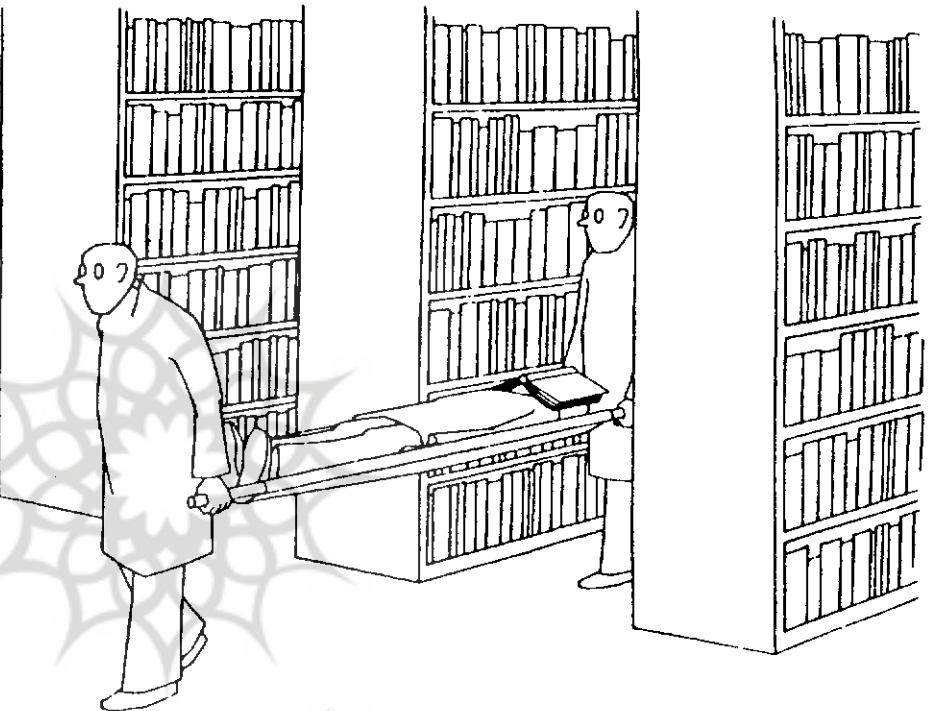
■ سیاست نشر بنا به سرشتش با سیاستهای دیگر، به‌ویژه سیاستهای فرهنگی، علمی، ارتباطی، اطلاع‌رسانی، پژوهشی، اداره کتابخانه‌ها، آموزشی، هنری و غیره پیوند دارد.

■ در کشورهای جهان سوم بازار کتاب مانند بسیاری از بازارهای دیگر به کشورهای خارج، و در واقع به کشورهای توسعه یافته، وابسته می‌شود.

■ در جهان سوم، عرضه و تقاضای کتاب به جای آنکه محرک فعالیت هم باشند، مسبب رکود و نزول یکدیگرند.

خارجی دست به گریبانند. مشکلات اقتصادی مردم در کشورهای جهان سوم، اجازه نمی‌دهد که بخشی از درآمد خانواده، ولو بخشی ناچیز، را صرف هزینه‌های فرهنگی و از جمله کتاب کنند. بازار کتاب در این کشورها مانند بازار کالاها، دیگر در همه سطوح جامعه و در میان همه قشرها گسترش نمی‌یابد و به گروهی از خوانندگان، و گاه نخبگان، محدود می‌شود. خود این معنول، به علت دیگری تبدیل می‌گردد و اختلاف سطح آگاهی، دانش، و تخصص را در جامعه شدت می‌بخشد.

کشورهای جهان سوم برای خروج از بن بست نشر و رهایی از بحران کتاب طبیعتاً راهی جز گسترش بازار و افزایش تولید و مصرف کتاب ندارند. دولتها و سازمانهای مسؤول کتاب در این کشورها هرگاه بخواهند دست به چنین گسترش و افزایشی بزنند، با مجموعه‌ای از انواع و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و تخصصی روبرو می‌شوند. برطرف ساختن هر یک از اینها، مستلزم برداشتن موانعی دیگر از سرراه، و برداشتن موانعی دیگر، مستلزم حل کردن دسته دیگری از مشکلات است. این وضع به گونه دور باطل و تسلسل بی‌منتها، عملاً دست دولتها و واحدها را در هرگونه اقدامی می‌بندد. بن بست و بحران نشر کتاب در جهان سوم، شاید ماهیتاً همان بن بست و بحران رشد و توسعه است. آن دسته از کشورهای جهان سوم که خود را از دام واپس ماندگی رها می‌کنند و گام در راه رشد و توسعه می‌گذارند، همه جنبه‌های جامعه خود را دستخوش تحول می‌سازند. نشر کتاب نیز یکی از همین جنبه‌هاست، اما بنیادی‌تر، عمیقتر و تأثیرگذارتر ■



کشورهای جهان سوم دست‌وپال دولت، سازمانها و واحدهای مسؤول کتاب، و نیز سیاستگذاران و ناشران را می‌بندد. نداشتن همکاری با کشورهای دیگر برای نشر مناسب و تأمین کمبودهای کتاب، یکی از پیامدهای حاکم نبودن سیاست بر نشر است.

در کشورهای جهان سوم چون قدرت تولید پایین است و نیاز داخلی را نمی‌توانند به اتکالی کوششهای داخلی تأمین کنند، بازار کتاب نیز مانند بسیاری از بازارهای دیگر به کشورهای خارج، و در واقع به کشورهای توسعه یافته، وابسته می‌شود. برای مثال، سر جمع رقم فروش کتابهای درسی دانشگاهی، تخصصی، و مرجع کشورهای توسعه یافته به کشورهای جهان سوم، نشان می‌دهد که چه سرمایه‌های هنگفتی برای کتاب از این کشورها خارج می‌شود، و وابستگی در عرصه کتاب تا چه میزان است؛ آن هم در شرایطی که کشورهای جهان سوم، همگی، با مشکل کمبود ارز

سیاست نشر کتاب دست یافت. سیاست نشر بنا به سرشتش با سیاستهای دیگر، به‌ویژه سیاستهای فرهنگی، علمی، ارتباطی، اطلاع‌رسانی، پژوهشی، اداره کتابخانه‌ها، آموزشی، هنری و غیره پیوند دارد. پیوند سیاست نشر با برخی از این سیاستها، مانند سیاستهای آموزشی، فرهنگی و پژوهشی، بسیار نزدیک است. این نزدیکی سبب می‌شود که هر تغییر و دگرگونی در هر یک از این سیاستها بر سیاستهای دیگر پیوسته تأثیر بگذارد. از آنجا که در کشورهای جهان سوم ثبات در حوزه‌های مختلف سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کمتر ممکن است حاکم باشد، نشر نیز مثل فعالیتهای دیگر دستخوش تلاطم است. طبیعی است نشری که از سیاست مشخص پیروی نکند، نمی‌تواند به نیازهای جامعه در محدوده وظایف و مسؤولیتهای خود پاسخ گوید.

فقدان سیاست سنجیده و مدون نشر در